

نقدی بر

رسم الخط کتابهای درسی*

محمدشهری

طرح مطلب

بی گمان خط و زبان فارسی گرانبهاترین میراث فرهنگی ماست و دفاع از این خط و زبان و آموزش آن به جوانان و نونهالان این مرز و بوم در حقیقت دفاع از فرهنگ و استقلال فرهنگی جامعه ایران و زبان فارسی بشمار میرود؛ از طرف دیگر میدانیم مردمی که زبانی پرمایه و توانا ندارند یا آموزش زبان را به مسائل قشری و ظاهری محدود میکنند، از فکر بارور و زنده و آفریننده بی بهره اند و خط یکی از وسایل و ابزار مهم زبان آموزی است؛ بنابراین هرچه خطی ساده تر و کاربردی تر داشته باشیم در آموزش زبان موفق تر خواهیم بود و در حقیقت با این کار در تقویت زبان فارسی که بنیان مهم زندگی و پرورش فکر و فرهنگ مردم این سرزمین است تلاش بیشتری کرده ایم.

موضوع این مقاله نقد و بررسی رسم الخط کتابهای تازه تألیف فارسی است، (کتابهای فارسی اول تا سوم راهنمایی و کتابهای زبان فارسی (۲ و ۱) و ادبیات فارسی (۲ و ۱).

کتابهای مذکور که بتازگی در گروه ادبیات فارسی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش تألیف شده از هر جهت ساختاری متفاوت با کتابهای درسی پیشین دارد و نوید از راهی نو در آموزش زبان و ادب فارسی میدهد و امیدست که این شیوه تحولی واقعی در آموزش بیمارگونه زبان و ادبیات فارسی در مدارس کشور بوجود آورد در این میان دو کتاب: زبان فارسی (۲ و ۱) و ادبیات فارسی (۲) از جهات بسیاری بی نظیرست و در تألیف آن موضوعات و محورهای مورد نظر مؤلفان صاحبذوق آن بوده که در شیوه تألیف کتابهای درسی بیسابقه است.^۱

سوگمندها با وجود مزایای بسیار، این کتابها با رسم الخطی نامأنوس و غیر علمی ویرایش شده، رسم الخطی متفاوت با سایر کتابهای درسی که ویراستاران آن گرچه مدعی هستند که ویرایش املائی این شش کتاب براساس آخرین مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی انجام گرفته اما جا دارد که این رسم الخط نقد و معایب و محاسن آن نشان داده شود، باشد که با اصلاح و تعدیل آن تصمیمی درست و سنجیده از جانب مسؤولان محترم گرفته شود تا هم دانش آموزان از سرگردانی نجات پیدا کنند و هم معلمان.

از آنجا که بسیاری از معلمان و مدرّسان و حتی دانش آموزان، ابتکاری بودن و ساختار جدید کتابهای تازه تألیف آنها را بشور آورده اما بدخوانیها و نابسامانیهایی که در رسم الخط کتابها وجود دارد کمابیش آنها را به اظهار این جمله واداشته که میگویند: «آنچه مؤلفان ساخته و رشته اند ویراستاران ویران و پنبه کرده اند» بهمین دلیل نویسنده تصمیم گرفت این مقاله را تنظیم کند و با بهره وری از صائب ترین دیدگاهها و دستاوردهای محققان فرزانه و بیطرف و استادان درجه اوّل زبان فارسی، رسم الخط این شش کتاب را نقد کند تا پاسخی داده باشد به پرسشهای معلمان و پرسشگران جوانی که رسم الخط فعلی این شش کتاب تازه تألیف آنها را گنج کرده است.

مقایسه رسم الخط کتابهای تازه تألیف با کتابهای پیشین

در هیچ یک از کتابهای تازه تألیف اصول کلی شیوه خط جدید ذکر نشده تا بتوان با تکیه بر آن و مقایسه اش با شیوه کتابهای سابق نقاط اشتراك و افتراق آنها با دقت برشمرد، جز اینکه در مقدمه بعضی از این کتابها نوشته شده است: «در این شیوه جدید «ها» علامت جمع و «تر» و «ترین» علامت صفت

* بنا به درخواست اکید نویسنده هیچ گونه ویرایشی بر متن صورت نگرفت. آینه پژوهش

۱. اینجانب در همین جا از نویسندگان و صاحبذوقان و علاقه مندان با آموزش زبان و ادب فارسی تقاضا میکنم بنقد و معرفی این کتابها (بویژه دو کتاب زبان فارسی ۱ و ۲ و ادبیات فارسی ۲) بپردازند تا تشویقی باشد برای مؤلفان خوش ذوق و مبتکر آن.

رسم الخط فارسی دارند و وجود اینگونه آشفتگی‌ها و تناقضات توجیه پذیر نیست.

اهم دلایل غیر علمی بودن رسم الخط کتابهای تازه تألیف

دلایل غیر علمی بودن رسم الخط کتابهای تازه تألیف فراوان است که اگر بخواهیم به همه آنها اشاره کنیم مثنوی هفتاد من کاغذ شود. بهمین دلیل اهم آنها در اینجا یادآوری میشود:

۱. یکی از بزرگترین دلایل غیر علمی بودن این شیوه خط این است که هیچ یک از استادان زبان و ادب فارسی و مجامع برجسته علمی کشور این شیوه را قبول ندارند و از اینجاست که برجسته ترین استادان دانشکده ادبیات تهران (حدافل بیست نفر) سال گذشته در نامه اعتراض آمیزی بفرهنگستان زبان و ادب فارسی اعتراض خود و غیر علمی بودن این شیوه املائی را متذکر شدند، نامه آنها در تابستان گذشته در مطبوعات کشور بچاپ رسید.

۲. خط و زبان پدیده ای اجتماعی و بسیار پیچیده و پر رمز و راز است و هر تغییری که در این مورد صورت میگیرد باید ذوق فارسی زبانان و صاحب نظران را در نظر گرفت، بعبارت دیگر قاعده سازی و صدور حکم در خط و زبان آنها بر خلاف ذوق و سلیقه عموم مردم نه عالمانه است و نه پسندیده علاوه بر این در شیوه پیشنهادی منسوب به فرهنگستان که مجریان امر در وزارت آموزش و پرورش شروع به اجرای آن کرده اند و «در آینده ای

تفضیلی و عالی جدا نوشته میشود.» از این جمله و نیز از مقایسه شیوه خط کتابهای تازه تألیف با کتابهای سابق بطور کلی قاعده زیر را میتوان استخراج کرد:

در شیوه نامه جدید، بیشتر، بنا را بر گسسته نویسی گذاشته اند تا پیوسته نویسی بعبارت دیگر در این شیوه نامه تمام کلمات فارسی خواه مرکب باشند یا مشتق، پسوندی باشند یا پیشوندی ترجیحاً اجزای آن جدا از هم نوشته میشوند یعنی کلماتی مانند: داستانها، بزرگتر، همزبان، نگهبانی، رستخیز، دسترسی و گفتگو بصورت: داستان‌ها، بزرگ‌تر، هم‌زبان، نگه‌بانی، رست‌خیز، دست‌رسی و گفت‌وگو نوشته شده است.^۳

ظواهر آهدف ویراستاران از اعمال این شیوه پدید آوردن رسم الخطی یکسان و شیوه املائی یکدست در میان فارسی زبانان و فارسی خوانان نسل آینده است.

آشفتگیها و وجود اختلافات

طبیعی است که ویراستاران شیوه جدید هر چند بطور جدی بخواهند این شیوه را در میان دانش آموزان و دبیران رواج دهند اما بدلیل اینکه رواج این شیوه در حقیقت مبارزه ای جدیست با عادات هزار ساله جامعه و با توجه باینکه خود ویراستارها شخصاً و عادتاً شیوه جدید را باور ندارند و تصور آنان بر اینست که این شیوه نامه را در همه کتابها اعمال کرده اند و از طرفی چون خودشان هم به شیوه جدید عادت ندارند بدیهی است با تمام دقتی که در اعمال این شیوه در کتابهای تازه تألیف بعمل آورده اند، نتوانسته اند خویشتن را از زیر بار عادات چندین و چندساله خود برهانند در نتیجه آشفتگیها و اختلافاتی فراوان در رسم الخط کتابهای آنان پیش آمده است که کلمات زیر مثنوی است از خروار بعنوان نمونه کلمات:

آنها، اینها، آنجا، اینجا، آنکه، اینکه، چنانچه، چنانکه، آنچه، دلپذیر، سخنرانی، کنجکاو، صاحب‌دل، پرخاشججو، دانشنامه، دلبسته، فرمانروا، خوشبختی، بیشتر، کمتر، آست، رویرو، خونریز، خوشحال، پیشامد، بیخود، بیگاه، گفتگو، جستجو، کدامیک، نخلستانها، همانگونه، دامداری، نگهبانی، رویداد، ستم‌دیده، بکار، بهم، سالخورده و صدها کلمه دیگر ازین قبیل گاهی پیوسته و گاهی جدا نوشته شده است و این تناقض نه تنها در یک کتاب که گاهی در یک صفحه و حتی در یک سطر بچشم می خورد.^۴

البته آنچه نقل شد بعنوان نمونه بود و کمتر صفحه ایست در این شش کتاب که از اینگونه اشکالات خالی باشد و طبیعی است از دیدگاه ویراستارانیکه عمدی در یکدست کردن و یکسان کردن

۲. بنگرید بکتاب: زبان فارسی (۲ و ۱)، مقدمه، ضمناً تمام مستندات این مقاله در این شش کتاب بر اساس چاپ سال ۱۳۷۵ تنظیم شده است.

۳. صورت املائی اخیر کلیه این کلمات از متن این شش کتاب استخراج شده است.

۴. مثلاً مراجعه کنید بکتاب زبان فارسی (۲ و ۱) که صفحه ۱۳ که «روی داد» را جدا و در صفحه ۱۴ همین کلمه را متصل نوشته است همچنین فارسی سال دوم راهنمایی صفحه ۶۰ که یک بار همین کلمه را جدا و بار دیگر پیوسته نوشته است ضمناً در همین کتاب صفحات ۱۲۷ و ۱۴۱ کلمه «آنها» یک بار جدا و یک بار پیوسته نوشته شده یا در فارسی سال اول راهنمایی صفحه ۱۳۱ کلمه «کاو» را بهمین صورت و در صفحه ۱۳۳ بصورت «کو» نوشته اند، در کتاب فارسی سال سوم راهنمایی صفحه ۸۳ و کتاب ادبیات فارسی (۱) کتاب زبان فارسی (۲ و ۱) یا یک نگاه اجمالی ملاحظه میشود که کلمات «اینجا و آنجا» گاهی پیوسته و گاهی گسسته نوشته شده است یا در مورد کلمه «آنچه» در فارسی سال سوم راهنمایی گرایشی به جدانویسی و در فارسی دوم راهنمایی گرایشی آشکار به پیوسته نویسی دیده میشود جالبتر از این کلمه «چنانکه» است که در صفحه ۱۹۰ کتاب ادبیات (۱) در یک سطر یک بار جدا و یک بار پیوسته نوشته شده است. گمان میکنم اگر بیشتر از این مقایسه ادامه یابد علاوه بر اینکه حواشی مقاله بر متن افزونی مییابد، مقاله نیز از هدف اصلی خود دور می افتد، خواننده نکته سنج و علاقه مند با مراجعه بمتن کتابهای مورد نظر و مقایسه ای اجمالی صحت گفتار نویسنده را در خواهد یافت.

نزدیک در تمام کتب درسی اعمال خواهد شد.^۵ به بحث و بررسی گذاشته نشده و نظرات موافق و مخالف درباره آن اظهار نشده است و در هیچ مجمع علمی بتصویب نهائی نرسیده و هیچ یک از استادان درجه اول زبان و ادب فارسی بر آن صحه نگذاشته اند بلکه باین شیوه اعتراض هم دارند. بنابراین عاقلانه ترین راه این است که دست اندرکاران و مجریان این طرح در وزارت آموزش و پرورش رسم الخط پیشنهادی و شیوه املاتی خود را بر محققان و استادان زبان فارسی عرضه دارند و نظر مخالف یا موافق آنانرا با دلیل خواستار شوند، نظرات آنانرا نقد کنند و از میان آنها بهترین را انتخاب و در کتابهای درسی اعمال کنند؛ زیرا رسم الخط این شش کتاب اگر رواج پیدا کند، بطوریکه گفته خواهد شد، زیانهائی غیر قابل جبران ببار خواهد آورد که بی تردید مجریان امور در پی چنین چیزی نیستند بنابراین در اعمال و رواج هر شیوه یا رسم الخط نامأنوس باید مصالح کشور و زبان فارسی را در نظر گرفت، بعبارت دیگر تازمانیکه در مورد این شیوه های نامأنوس اقتراح صورت نگرفته و نظر موافق و مخالف درباره آن اظهار نشده وزارت آموزش و پرورش نباید اقدام به اجرای این شیوه املاتی بنماید.

۳. مسائل مربوط به خط و زبان را نباید مانند قواعد فیزیک و ریاضی تصور کرد و آثار کلی پنداشت. بنابراین شعار یکسان کردن رسم الخط و یکدست کردن آن که شعار این ویراستاران است، شعاری ساده لوحانه و ضد علمی است و بهتر است بجای ملاک قرار دادن این اصل غیر علمی اصل علمی درست نوشتن را ملاک قرار داد.^۶ بنابراین دادن قواعد بدون استثنا در زبان و خط و علوم انسانی برخلاف روش صحیح علمی و زیانمندست بتعبیر دوست دانشورم، دکتر حسین داودی،: «نمی توان برای زبان فارسی ساده لوحانه حکم صادر کرد و بطور مطلق تصمیم گرفت.»^۷ ضمناً همه میدانیم که وجود تنوع و گوناگونی در همه اجزای زبان امری طبیعی است و خط و شیوه املاتی نیز جزء لاینفک زبان است و بتعبیر زبان شناسها خط «زبان دیداری» است بنابراین بطور طبیعی باید بوجود تنوع شیوه ها قائل شد و آنرا پذیرفت زیرا: «تنوع شیوه ها علاوه بر اینکه خالی از جاذبه نیست مشکل و مسئله ای هم پیش نمی آورد.»^۸ بنابراین اگر مدیری ناآگاه تصمیم بگیرد با یکسان کردن شیوه خط حق انتخاب و اختیار را از دانش آموز و معلم بگیرد طبیعی است که کم کم آنها را به یکنواختی و دلسردی دچار میسازد.^۹ از لحاظ علمی معقولتر و سنجیده تر این است که ما حق انتخاب داشته باشیم یعنی امکان گزینش از میان چند گزینه. از طرف دیگر وجود گونه های مختلف در خط حتی وجود تنوع در گونه های مختلف خط گاهی بدست خواندن شعر نیز کمک میکند

تا آنجا که برخی معتقدند گونه خط نثر با گونه خط شعر متفاوت است.^{۱۰} این مسئله ایجاب میکند که ما از وجود گونه های مختلف خط در کتابهای درسی و فارسی استفاده کنیم زیرا در کتاب درسی هم متن قدیم هست هم متن جدید هم شعر هست هم نثر.

۴. یکسان کردن رسم الخط بویژه رسم الخط جدیدی که اخیراً این شش کتاب تازه تألیف را با آن شیوه ویرایش کرده اند و گویا قرار است در آینده ای نزدیک در تمام کتابهای درسی اعمال شود، پیامدهای شوم و زیانباری را بدنبال خواهد داشت که ممکن است در عرض دو سال و سه سال و پنج سال مشخص نشود، اما هنگامیکه سی یا چهل سال بر این قضیه بگذرد مشخص خواهد شد که این امر اگر خیانتی نباشد لااقل خدمتی بزبان فارسی نیست زیرا رسم الخطی جعلی و بی ریشه است و رابطه جوانانرا با نوشته های گذشتگان قطع میکند و تحصیلکردگان ما در آینده ای نزدیک قادر نخواهند بود از کتابهای مرجعی مانند فرهنگ معین، لغتنامه دهخدا، فرهنگ عمید، دائرةالمعارف فارسی و مانند آن استفاده کنند در نتیجه آیندگان ما مجبور خواهند شد برای اینکه نسل جدید و تحصیلکرده (یعنی در حقیقت دست پروردگان ما) بتوانند از میراثهای فرهنگی خویش استفاده کنند، هزاران هزار صفحه کتاب را برسم الخط جدید برگردانند و معلومست که اینکار مستلزم بودجه و صرف وقت بسیار است و تازه پس از اینکه این کار انجام پذیرد خواهیم فهمید که کار ما از بنیاد بیهوده بوده و نشان بیهودگی آن هم اینست که ما می توانیم اینهمه بودجه را صرف برنامه ریزیهای جدی تر و دقیقتر در جهت باروری و

۵. بنگرید به: زبان فارسی (۲ و ۱)، مقدمه. گفتنی است که بنابر آنچه در مقدمه سه کتاب زبان و ادبیات فارسی دوره پیش دانشگاهی آمده است، ظاهراً وضع این گونه رسم الخط به فرهنگستان زبان و ادب فارسی نسبت داده شده است و جالب است که این مؤسسه علمی و فرهنگی در نشریه رسمی خویش یعنی «نامه فرهنگستان» صفحه دوم به خوانندگان نشریه تذکر داده است که این رسم الخط «مصوب فرهنگستان تلقی نشود» و ویراستاران کتابهای تازه تألیف هم که ظاهراً با این تذکر از این انتساب طرفی نبسته اند در مقدمه کتاب تازه تألیف ادبیات فارسی سال اول دبیرستان چاپ ۱۳۷۶ بجای جمله فوق نوشته اند: «ویرایش املاتی کتاب بر مبنای شیوه نامه ویرایش و رسم الخط کتابهای درسی وزارت آموزش و پرورش است.»
۶. برای اطلاع بیشتر ر. ک: املاء، نشانه گذاری، ویرایش، دکتر خسرو فرشید ورد، انتشارات صفی علیشاه، ص ۴.
۷. مجله رشد ادب فارسی، شماره ۴۰، ص ۲۷ (مقاله نه همه نه هیچ)
۸. آیین نگارش، احمد سمعی گیلانی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم، ص ۸۴.
۹. تعبیر از دکتر حسین داودی است. بنگرید به: مجله رشد ادب فارسی، همان شماره، ص ۲۴.
۱۰. بررسی علمی شیوه خط فارسی، نازیلا خلخالی، انتشارات ققنوس، ص ۱۸۱ بعد.

بجسبید بهمان دلیل «می» نیز باید چسبیده نوشته شود و بالعکس زیرا از نظر دستوری و زبان شناسی میان این دو مقوله هیچ تفاوتی وجود ندارد، متأسفانه این مطلب بسیار بدیهی و علمی در این شیوه مورد ملاحظه قرار نگرفته است.^{۱۵}

۹. یکی دیگر از موارد ضد علمی بودن این شیوه، اختیار رسم الخطی است که بدخوانی، بدفهمی و غلط خوانی را بدنبال دارد، هنگامی که ترکیبات: پیش روی، پیش رو، دانش دوستان، بزرگ تر، دل بسته، روی داد، نگه دار، دست برد و مانند آنرا باین صورت از هم جدا می‌کنیم دست خواننده را در بدخوانی باز گذاشته ایم.^{۱۶}

استاد بهمنیار معتقدست وقتی کلماتی مانند: فرمانبر، نگهدار، دل بسته، سخنگو، دلخوش و مانند آن صفت مرکب باشند حتماً باید سرهم نوشته شوند اما اگر جزئی از عبارت فعلی باشند باید آنرا جدا نوشت و گر نه در خواندن عبارت اشتباه و التباس پیش می‌آید مثال: خدای را فرمان بر و دل را نگه دار، فرمانبر خدا و نگهدار خلق باش، عشق مردمخوارست بی عشق مردم خوارست، آنها دلخوش و قویدل شدند، تو میندیش و دل خوش دار. همچنین است نظر دیگر استادان و زبان شناسان از جمله دکتر ابوالحسن نجفی.^{۱۷}

۱۱. ناگفته پیداست که در همین مورد نیز باید استثنائات را در نظر گرفت نک: همین مقاله بخش چهارم (لزوم اصلاح شیوه خط فارسی) شماره‌های ۹ تا ۱۲.

۱۲. در این شیوه جدید حتی کلماتی از قبیل: بویژه، بوسیله، بعنوان، روبرو، دست بدست و بسیاری از کلمات دیگر مانند: اینجا، آنجا، دلپذیر، دستمال، کنجکاو، رستخیز، پیشروی، آنها، چنانکه و مانند آن را که بیش از هزار سال است در متون فارسی متصل بهم نوشته میشود، بطور نسنجیده همه آنها را جدا کرده‌اند.

۱۳. برای اطلاع بیشتر ر. ک: املاء، نشانه گذاری، ویرایش، ص ۵۸.

۱۴. همان کتاب، ص ۶۴.

۱۵. بزبان ساده تر به هر دلیلی که واضعان این شیوه مینویسند: برود، بگوید، بخورد، باید بنویسند: می‌رود، می‌گوید، می‌خورد و ...

۱۶. به این بیت (کتاب ادبیات فارسی ۱، قافیه و عروض - نقد ادبی، ص ۶) توجه فرمائید:

کسی دانه نیک مردی نکاشت کزو خرمن کام دل برنداشت

هنگامیکه از یک دانش آموز ممتاز رشته ادبیات (سال چهارم) خواسته شد که این بیت را بخواند، دانش آموز کلمه «نیکمردی» را «نیک مردی» خواند و کلاس هم گرچه سراپا گوش بود هیچ کس اعتراض نکرد و هنگامیکه اینجانب قرائت دانش آموز را اصلاح کرد با اعتراض شدید دیگر دانش آموزان روبرو شد!

۱۷. برای اطلاع از نظریات احمد بهمنیار در باب رسم الخط فارسی ر. ک: مقدمه لغت نامه دهخدا، ص ۱۴۵، بعد، مقاله «نامه بمقام فرهنگستان» نیز برای اطلاع از نظرات دکتر ابوالحسن نجفی در باب اینگونه کلمات بنگرید به: غلط نویسیم، ابوالحسن نجفی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم، صص ۱۹۳-۱۹۴.

سازندگی زبان فارسی بکنیم، برآستی آیا آیندگان هنگامیکه با این معضل روبرو شوند چه قضایاتی درباره ما خواهند کرد؟

۵. این شیوه املائی رابطه فارسی زبانان ایران را با نوشته ها و فارسی زبانان کشورهای دیگر (از راه نوشته ها) قطع میکند زیرا معلوم نیست که صاحب نظران زبان فارسی در کشورهای دیگر هم بخواهند ذوقی، سلیقه ای و غیر علمی عمل کنند و نیز از کجا معلوم است که حاصل ذوقیات نسنجیده ما (رسم الخط فعلی) را قبول داشته باشند؟

۶. یکی از موارد بسیار مهم در اصلاح شیوه خط، رعایت مرز و استقلال دستوری کلمه است که در این شیوه جدید بهیچ وجه لحاظ نشده است.

در شیوه خط این شش کتاب تازه تألیف بدون توجه باین اصل مهم زبان شناسی همه کلمات فوق و امثال آنرا منفصل نوشته اند، بسخن دیگر در این رسم الخط حد و استقلال دستوری کلمه را در نوشتن فصل و وصل کلمات نادیده گرفته و آنرا رعایت نکرده اند.^{۱۱}

۷. قواعدی که در این رسم الخط بکار رفته است از زبان و خط طبیعی مردم استخراج نشده و قواعدی ذهنی و سلیقه ای است. بعبارت دیگر در تنظیم این شیوه استقرائی صورت نگرفته است و بدون مراجعه بنوشته ها و متون خطی و چاپی، قاعده سازی کرده اند. مثلاً بیش از هزار سال است که مردم طبق عادت «ها»، «تر» و مانند آنها را متصل مینویسند یا «که» بکلمات: آن، این، چنان، همان، همین و مانند آن متصل نوشته میشود «ب» بخصوص هنگامیکه کلمه جدیدی میسازد حتماً متصل نوشته میشود.^{۱۲}

بهر حال اصل استقراء تام و آمار دو وسیله مهم کشف قواعد رسم الخط معاصرست که در این شیوه نامه نادیده گرفته شده است.^{۱۳}

۸. واضعان این شیوه که در پی یکسان کردن رسم الخط اند و ادعای آنرا دارند اساساً تصویری درست از یکسان کردن رسم الخط ندارند، بعبارت ساده تر در نظر آنان یکسان کردن با یکسان نویسی یکی است، در نتیجه خط را به هرج و مرج کشانده اند غافل از آنکه مراد از یکسان کردن واقعی رسم الخط یکسان کردن و هماهنگ نمودن بر طبق قواعد دستوری و زبان شناسی است نه ایجاد دوگانگی در قوانین این علوم و درهم ریختن آن،^{۱۴} مثلاً طبق نظریه یکسان کردن و بر طبق قوانین دستوری و زبان شناسی کلماتیکه اجزای آن از نظر دستوری و زبان شناسی همپایه و هم ارزش هستند، حتی الامکان باید مثل هم نوشته شوند مثلاً در زبان فارسی یک «ب» داریم و یک «می» که هر دو جزء پیشین فعل یا جزء صرفی مقدم نام دارند و از نظر دستوری هم ارزش و همپایه اند بنابراین به هر دلیلی که میگوئیم «ب» باید بماده فعل



۱۰. یکی دیگر از موارد ضد علمی بودن این رسم الخط عدم توجه به شکل همزه و تلفظ آن در زبان مردم است. بهمین دلیل است که کلماتی مانند: ابتدائی، نیکوئی، دوئی، روئین تن، گوئیا، تنهائیش، گوئیش، دانائیت (دانائی تو) و مانند آنرا که مردم با همزه یا صدائی نزدیک بهمزه تلفظ میکنند با (ی) نوشته اند در صورتی که کلماتی از قبیل: قهوه ای، مدرسه ای، نامه ای، خسته ای، پروانه ای را بصورت اخیر نوشته اند تا همزه آن بتلفظ درآید حال آنکه همزه ای که در کلمات هر دو دسته میآید همگی صدائی است شبیه همزه و ماهیتاً یکی است و همه این کلمات از نظر زبان شناسی باید با همزه نوشته شوند بنابراین نوشتن دسته ای با (ی) و دسته دیگر با همزه درست نیست.^{۱۸}

۱۱. در این شیوه املائی بتحقیقات گذشتگان در این زمینه وقعی نهاده نشده است. گوئی واضعان این شیوه نوشته های کسانی مانند: استاد بهمنیار، دکتر مصاحب، استاد مینوی، دکتر شعار، دکتر فرشید ورد و دیگر صاحب نظران را در این زمینه ندیده اند.

۱۲. برخی از قواعد این رسم الخط متناقض بعضی از قواعد دیگر آنست؛ مثلاً از نظر دستوری و زبان شناسی تفاوتی است بین کلمات: همسفر، همدل، همنشین، همدرد، همگام، همسو، همکار، همتا و همراه با کلمات: همزمان، همدل، همسال، همسنگر، همرزم، همصدان نیست که دسته اول را متصل و دسته دوم را منفصل نوشته اند. گرچه گاهی حتی بفاصله یک صفحه کلمه «همراه» را یک بار متصل و بار دیگر منفصل نوشته اند.^{۱۹}

ضمناً اگر به جمله هایی نظیر ما هم هم دل تو هستیم، ما هم هم وطن تو هستیم، ما هم هم سن او هستیم (که نمونه های آن در نوشته های فارسی بلکه در این شش کتاب نیز کم نیست) توجه شود بی پایگی این رسم الخط آشکار میشود. گرچه این تناقض منحصر بهمین مورد نیست به نمونه های دیگر که از متن این شش کتاب استخراج شده توجه فرمائید:

الف) دسته اول که گرایش غالب در این کتابها با پیوسته نویسی است: سخندان فیزیکدان، ستمدیده، میخکوب، خدمتگزار، کتابخانه، بتخانه، خوشبو، دلنشین، دلسوز، دلبنده، بیروح، فراموشکار، ورزشکار، نیلگون، گلگون، گناهکار، روشنفکر، دانشجو، پاکبازی، جانبازی، گردنکش، سخنگو، باغبان، شادمانگیمان، پیشرفت، یکسان، یکباره، شبگیر، گردشگاه، خوابگاه.

ب) دسته دوم که گرایش غالب در این کتابها با جدانویسی است: عروض دان، ریاضی دان، رنج دیده، تجارت خانه، خوش بخت، دل پزی، دل بسته، بی خود، بی دل، بی مانند، راه پیمایی، خیانت کار، دام دار، موج گون، گندم زار،

کشت زار، کام جو، پرخاش جو، صاحب نظر، خون ریز، دل خراش، روشن دل، یک دست، یک دل، یک سسان، پیش گیری، سخت گیر، نگه بان، حسودی مان، لال بازی، گم نام و صدها کلمه دیگر از این قبیل.

با مقایسه کلمات این دو دسته در یک نگاه مختصر پی می بریم که هیچ گونه تفاوتی از نظر دستوری و زبان شناسی بین کلمات دسته اول با دوم وجود ندارد یعنی به هر دلیلی که کلمات دسته اول را متصل نوشته اند باید کلمات دسته دوم را هم متصل بنویسند و برعکس. ویراستاران وزارت آموزش و پرورش حتماً باید بدانند آموزان و معلمان در این مورد جواب بدهند.

۱۳. کسانی که در دفاع از این شیوه ضد علمی، ضد دستوری و ضد زبان شناسی دم از رسم الخط علمی میزنند آنچه را بنام نوشتن «میان واژه ای» و «میان لختی» در نگارش و چاپ پیشنهاد میکنند مبنای علمی ندارد بلکه خود امری ضد علمی، غیر عملی و غیر کاربردی و مشکل آفرین است و بیشتر بکار برنامه نویسان و اپراتورهای کامپیوتر میآید و سرگرمی جالبی برای آنهاست زیرا در متنها دستنویس یا روزنامه های کثیرالانتشار که شتاب و عجله لازمه کار آنانست رعایت اینگونه موارد عملی نیست و انگهی دانش آموزی که در جلسه امتحان ترس و اضطراب سرپایش را فرا گرفته و همه دقت او متوجه درست نوشتن کلمات است با کدام خط کش میتواند دقیقاً بین اجزای کلمات: دل پذیر، نیک مرد، پیش وا، پیش روی، دل بسته و مانند آنرا اندازه گیری کند تا مصداق میان لختی و میان واژه ای نوشتن قرار گیرد و معلم املا این کلمات را برای او غلط املائی محسوب نکند. کسانی هم که در آغاز «ب» و «می» را از اول کلمات جدا کردند همین حرف را میزدند.

۱۴. وجود تنوع و گونه های مختلف در زبان و خط امری عادی است بویژه، بدلیل شکل خاص الفبای فارسی، وجود گونه های مختلف، امری پذیرفته شده است، بنابراین بصلاح زبان و فرهنگ فارسی نیست که ذهن دانش آموزان و دانشجویان

۱۸. همزه همه این کلمات در هر دو دسته از نظر دستوری یکی است و نوعی صامت میانجی محسوب میشود (بنگرید به: بررسی علمی شیوه خط فارسی ص ۱۲۶ بعد)، این مورد نیز از ایجاد دوگانگی و بیقاعدگی در رسم الخط حکایت دارد که مدعیان یکسان کردن رسم الخط ایجاد کرده و بدون هیچگونه دلیلی یک مقوله دستوری و زبان شناسی را بدو صورت نمایش داده و خط را مشکلتر و دانش آموز و معلم را سرگردان کرده اند.

۱۹. بعنوان نمونه بنگرید به فارسی دوم راهنمایی صص ۱۹۰ و ۱۹۲ و برای ملاحظه دیگر کلمات مورد بحث، نک: کتاب ادبیات فارسی ۱ صص ۱۹۸ و ۲۰۱، ادبیات فارسی ۲ صص ۴۹، ۱۸۷، ۱۵۳، ۱۶۳ فارسی سوم راهنمایی صص ۵۹ و ۸۷ و فارسی دوم راهنمایی صص ۷، ۸، ۲۱، ۱۸۳ و دیگر صفحات این شش کتاب.

دل سوز، بزرگداشت، خدمت گزار، پیش نهاد، هم دل، چنان چه، دل سرد، ارزش یاب و صدها کلمه دیگر.

پیشنهاد و ختم سخن

چون در یک مقاله کوتاه آوردن دلایلی بیش ازین صلاح نیست. بهمین مقدار بسنده شد. پیشنهاد میشود مسوولان و دست اندرکاران گروه ادبیات فارسی در وزارت آموزش و پرورش فعلاً از اعمال این شیوه غیر علمی و زیانمند چشم پوشند و تا رسیدن برسم الخطی دقیق و علمی همان رسم الخط کتابهای سابق را با اندکی اصلاح در کتابهای درسی نگه دارند و با تشکیل کلاسهای ضمن خدمت و صدور بخشنامه به معلمان تازه کار آموزش بدهند که «اساساً مسأله املا با رسم الخط دو مقوله جداگانه است» مثلاً اگر دانش آموزی در برگه املاي خود بنویسد: دلپذیر، عینناک، میرود، بنام خدا و مواردی از این قبیل، غلط املائی محسوب نمیشود بلکه انتخابی است از یک گونه درست خط بدیگر سخن پیشنهاد میشود وزارت آموزش و پرورش ضمن پذیرش گونه های مختلف خط سازمانی بنام «سازمان تحقیق در رسم الخط فارسی» ایجاد کند و بکمک دستوردانان، آواشناسان، معلمان ادبیات و محققان علاقه مند، تحقیق و مطالعه ای گسترده در رسم الخط فارسی (بخصوص مطالعه رسم الخط معاصر) را آغاز کند.

این سازمان می تواند جزئی از پروژه های تحقیقاتی دفتر تحقیقات و برنامه ریزی باشد و با تهیه طرح و دستورالعملی دقیق و ارسال آن برای علاقه مندان، با حداقل بودجه ممکن می تواند کار خود را دنبال کند و پس از آماده شدن مواد و یادداشتهای لازم، گروه ادبیات فارسی بکمک محققان دقیق و علاقه مند و غیر افراطی که معتقد بروش علمی هستند، زمینه تهیه رسم الخطی دقیق و سنجیده و علمی را فراهم کند و پس از اصلاح و نظرخواهی آنرا مبنای اعمال در کتابهای درسی قرار دهد، بدیهی است که در این مدت هم نباید نگران وجود گونه های مختلف در کتابهای درسی بود زیرا همانطور که پیشتر گفته شد وجود گونه های خط امری پذیرفتنی است و اگر ذهن معلمان و دانش آموزان را به یک شیوه خاص حساس نکنند تنها هیچ مشکلی پیش نمی آید بلکه با دور شدن ذهن آنان از مسائل قشری و ظاهری زمینه های خلاقیت و ابتکار در ذهن نونهالان ما بیش از پیش تقویت می شود.

راه شیوه ای خاص از رسم الخط حساس کنیم بلکه وظیفه معلمان و پاسداران زبان و فرهنگ فارسی آموزش درست نوشتن است، زبان آموز باید بداند که امکان انتخاب از میان گونه های مختلف برای او وجود دارد، از طرف دیگر حساس کردن ذهن دانش آموزان و دانشجویان و معلمان به یک شیوه خاص چه بسا که بجای پرورش دادن محققانی واقع نگر و معتدل و پژوهندگانی خلاق و باطن بین، افرادی سطحی نگر و ظاهرین پرورش یابد یعنی کسانی در جامعه پرورش پیدا کند که بجای تفکر در برشته کشیدن معارف بشری و خدمت بجامعه اسلامی هم آنان مصروف به «فصل و وصل کلمات» شود و حداقل اگر نه تمام بلکه بخشی از فعالیتهای نیروی اندیشه ور و فکور جامعه بهدر رود و البته این امریست که اصلاً بصلاح فرهنگ و جامعه ما نیست.

۱۵. اصلاح قواعد و رسم الخط فارسی باید مبتنی بر خصوصیات دستوری و تاریخی و گرایشهای غالب بر زبان فارسی باشد و عادات زبانی و خطی مردم حتماً باید مورد توجه قرار گیرد، همچنین در اصلاح شیوه خط، مهمترین اصل زبان شناسی و دستوری یعنی قاعده کم کوشی یا صرف کمترین انرژی در نوشتن را نباید فراموش کرد. این موارد از اهم مسائلی است که در وضع و اعمال این شیوه مورد توجه قرار نگرفته است. مثلاً هنگامیکه ما طبق عادت کلماتی همچون: گفتگو، آنکه، اینجا، چنانچه، روبرو، جستجو، آنچه، بویژه، چنانکه و مانند آنرا متصل می نویسیم نه منفصل، اصلی کاملاً علمی را رعایت کرده ایم، زیرا علاوه بر اینکه به اصل مهم «کوتاه شدن خط بر اثر کثرت استعمال» توجه کرده ایم با حذف یک حرف یا کوتاه کردن آن، انرژی کمتری نیز صرف کرده ایم و طبیعی است کسانیکه بطور مداوم به امر نوشتن و استتساخ سر و کار دارند طبیعتاً شیوه اخیر پسند خاطر آنانست و چون این شیوه به تند نویسی نیز کمک میکند چه لزومی دارد که در صدد تغییر آن برآیم و عادت اجتماعی هزار ساله مردم را برهم زنیم.

۱۶. در شیوه جدید، متأسفانه، بجای انتخاب صورت مشهورتر و آسانتر گونه نامأنوس و غیر کاربردی تر را برگزیده اند. بهمین دلیلست کلماتی که طبق عادت و بر مبنای اصول دستور و زبان شناسی بیش از هزار سال است که در قلمرو زبان فارسی متصل بهم نوشته می شود در این شیوه اجزای آن جدا از هم نوشته شده که در نتیجه در اغلب موارد غلط خوانی و بدفهمی متن، کمترین نتیجه و ره آورد آن است، کلمات زیر نمونه های کوچکی از آنهاست: یک دیگر، پیش و، آن چه، دل ربا، بیش تر، کنج کاو، خون سرد، یک سان، گل برگ، هم زبان، پرخاش جو، راست گو، دست مال، پیش رفت،

